

# گپ و گفت «ایران» با مریم مقانی نویسنده رمان «چشم‌هایم در اورشلیم»

## آینده تاریک اسرائیل را به تصویر کشیدم

### گفت‌وگو

علی‌الله سلیمی

نویسنده و منتقد ادبی

مریم مقانی، داستان‌نویس و دانش‌آموخته کارشناسی علوم آزمایشگاهی از دانشگاه علوم پزشکی تهران است. وی نوشتن را به طور جدی از سال ۱۳۸۱ آغاز کرد. اولین داستان بلندش با نام عشق آبی را در سال ۱۳۸۷ نوشت که به همت انتشارات انجمن قلم ایران در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. مقانی سابقه عضویت در شورای کارشناسی داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و همچنین داوری پنجمین جشنواره ادبی داستان کوتاه دفاع مقدس (یوسف) را داشته و افزون بر اینها دبیر بیستمین دوره جایزه ادبی قلم زرین انجمن قلم ایران نیز بوده است. یکی از آثار شاخص این نویسنده، رمان «چشم‌هایم در اورشلیم» با موضوع فلسطین است که با استقبال خوب مخاطبان و البته کارشناسان ادبی مواجه شد؛ کتابی که موفق به کسب عنوان رمان برگزیده نخستین جایزه جهانی فلسطین در لبنان نیز شده و مورد تجلیل قرار گرفته است. رمان «چشم‌هایم در اورشلیم» دومین کتاب از سه‌گانه مریم مقانی با محوریت مقاومت و مسأله فلسطین است که به همت نشر معارف روانه کتابفروشی‌ها شده است. گفت‌وگوی امروز «ایران» را با این نویسنده فعال در حوزه ادبیات مقاومت، درباره داستان‌نویسی با موضوع فلسطین، ادبیات مقاومت و رمان «چشم‌هایم در اورشلیم» می‌خوانید:

● شما یکی از داستان‌نویسان فعال در حوزه ادبیات یاداری هستی که همواره دغدغه نوشتن درباره فلسطین را دارید که نوشتن مجموعه رمان‌های سه‌گانه با محوریت مقاومت و مسأله فلسطین بخشی از این دغدغه را تشکیل می‌دهد. در این خصوص، رمان «چشم‌هایم در اورشلیم» را با کارشناسان ادبی قرار گرفته است. ایده این رمان چگونه در ذهن شما شکل گرفت و اصولاً بر اساس چه سراع چنین سوزهای عملی شد؟

بله این داستان جلد دوم کتاب دیگری به نام عشق آبی است که اوایل دهه هشتاد توسط انتشارات انجمن قلم به چاپ رسید و کمی بعد هم در جشنواره ادبی پروین اعصامی در بخش رمان، شایسته تقدیر شناخته شد. شخصیت‌های داستان قبل، در کتاب چشم‌هایم ادامه پیدا کردند و این کتاب نوشته شد. این کتاب را من بلافاصله بعد از چاپ جلد اول نوشته که سال ۹۲ توسط نشر تکا چاپ شد و اتفاقاً نامزد جایزه قلم زرین در بخش بزرگسالان نیز شد. همان سال که کتاب «گرگ سالی» مرحوم فردی و «آه با شبن» آقای مزینانی و «حفظ‌ها جامی‌مانند» آقای یوسف قوقق هم به مرحله نهایی رسیده بودند. در پاسخ به سؤال شما باید بگویم که اغلب موارد، شکل گرفتن ایده‌ها و در واقع شکار سوزها برای نویسنده یک دفعه‌ای رخ نمی‌دهد. ایده مثل بذری است که در بستر ذهن نویسنده سر برمی‌آورد و از آن تغذیه می‌کند.

فلسطین، نیاز به مطالعات ژمینه‌ای نسبتاً گسترده دارد. شما برای نوشتن «چشم‌هایم در اورشلیم»، تا چه اندازه مطالعه و تحقیقات داشتید؟ و منابع شما در این زمینه بیشتر چه نوع آثاری بود؟

همان طور که گفتیم من از خیلی قبل‌تر به موضوع فلسطین علاقه داشتم. پس خیلی از اطلاعات، حاصل مطالعه من در طول سال‌های قبل بوده، اما وقتی به‌صورت جدی تصمیم به نوشتن این دو کتاب گرفتم، دست به مطالعه بیشتر و افزودن بر اطلاعاتی که در این زمینه داشتم، زدم. آن موقع نشر هلال و موعود، کتاب‌های خوبی درباره صهیونیسم، تاریخ یهودیان و رابطه تنگاتنگ اسرائیل و ایالات متحده چاپ می‌کرد که همه را خریدم و خوانده می‌شدم. بعد رفتم سراغ داستان‌های فلسطینی که نویسنده‌های یهودی نوشته بودند. قبل‌تر خیلی به سختی می‌شد این چیزها را پیدا کرد. برای آن که تصویر روشن‌تری از موقعیت‌های مکانی داستان‌ها داشته باشم از طریق تصاویر ماهواره‌ای موجود در فضای وب، تصاویر زیادی را پیدا کرده و به شکل مجازی در آن نقاط سیرو و سفری می‌کردم.

● یکی از ویژگی‌های رمان شما، نگاه به آینده است و سعی شده موضوع فلسطین در چشم‌انداز پیش‌رو و تصور و روایت شود. هدف خاصی از این رویکرد داشتید؟

یک دلیلش علاقه شخصی من به گونه داستان‌های آینده‌نگرانه است. اغلب داستان‌های من در همین ژانر نوشته شده‌اند. اما دلیل مهمتری که داشتم این بود که با داستانم بگویم اسرائیل آینده‌ای ندارد. بخصوص در کتاب چشم‌هایم در اورشلیم که در سال ۲۰۲۵ رخ می‌دهد، ایالات متحده امریکا قدرت خود را از دست داده، تجزیه شده و اسرائیل هم مردم خود را از دست داده است و تلاش دارد با برگزاری مراسم‌های باشکوه و دعوت از خواننده و سلبریتی‌های سرشناس کمی وجهه خود را ترمیم کند و مردمش را به اسرائیل برگرداند. بعد از نوشتن داستان، رهبر معظم انقلاب آن جمله معروف‌شان را که اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید، بیان کردند. اولین کاری که کردم این بود که با نگرانی حساب کردم بینم زمان تاریخی اثرم را با این گفته ایشان مخوانی دارد که

دیدم خدا را شکر قبل از آن ۲۵ سال وعده داده شده است. ● از موفقیت‌های رمان «چشم‌هایم در اورشلیم»، یکی هم برگزیده شدن در جایزه جهانی فلسطین در بخش رمان بوده است، درباره این جایزه و نقش آن در سرنوشت این کتاب بگویید.

من این داستان و اثر قبلی را بدون آنکه پیشنهاد یا سفارشی بگیرم، نوشته بودم. اتفاقاً آن موقع با خودم فکرمی‌کردم که چرا نویسندگان ما در این زمینه نمی‌نویسند. البته چند اثر خوب هم پیدا دیدم، مثل داستان «ریاح» از جلال توکلی. با این حال در کشوری که در همان سال‌های نخستین انقلاب، این جمله معروف سرلوحه اعتقاداتش شده بود که راه قدس از کربلا می‌گذرد و داعیه نجات فلسطین از یوغ اسرائیل اشغالگر را داشت، چند اثر ادبی معدود درباره موضوع فلسطین، نشان‌دهنده کم‌کاری داستان‌نویسان هایش به‌شمار می‌رود. الان که به آن سال‌ها فکر می‌کنم احساس می‌کنم خلوص نیت و اعتقاد قلبی عمیق‌تری در حین نوشتن این دو اثر داشتم که شاید الان دیگران گوهر ناب را نداشته باشند. با شخصیت‌های داستانی می‌خندیدم، گریه می‌کردم و رنج می‌کشیدم و امروز می‌بینم که آنها راه‌شان را پیدا کردند و حتی دست من را گرفتند و با خودشان به جنوب لبنان آوردند. زیر تابلوی ۱۷۳ کیلومتری تراس قدس ایستادم و به دست بزرگ پیش‌رویم که همان فلسطین اشغالی بود، نگاه کردم و جملات پایانی کتاب در ذهنم مرور می‌شد: «دوست داشتم در بیت‌المقدس باشم. می‌توانستم خورشیدی باشم تا بر سرزمینی بتامی که خاکش عزیزم را در آغوش گرفته بود یا نسیمی باشم که خوشه‌های نرم و زرین‌کنندم را در آن دیار به رقص وامی‌داشت. می‌توانستم میان باغ‌های زیتون قدم بزنم و نشانه‌های او را ببینم. می‌توانستم در بیت‌المقدس باشم و همراه ذرات پرانگنده روحی‌اشنا در آن توفنگاه مقدس به چرخش دربیایم. می‌توانستم گریه نکنم؛ اگر او می‌خواست، می‌توانستم صبر کنم؛ اگر او می‌خواست...»

● ارتباط نویسندگان و ناشران ایرانی با نویسندگان و ناشران

جهان عرب در خصوص مسأله فلسطین در حال حاضر چگونه است و برای پرتنگ شدن این ارتباط چه راهکارهای پیشنهاد می‌کنید؟

به اتفاقی که ۱۰ سال پیش برایم رخ داد، اشاره می‌کنم. آن سال‌ها قرار شد مجموعه داستانی از آثار کوتاه نویسندگان در مورد فلسطین چاپ شود. چند داستان کوتاه داشتم که فرستادم. چند اثر از خانم «سنا شعلان» هم بود که اتفاقاً خودم کارشناسی و تأیید کردم. آن موقع من چندان ایشان را نمی‌شناختم. گذشت و چون آن مجموعه چاپ نشد من هم به کل فراموش کرده بودم. سال گذشته من در بیروت با چند نفر از نویسندگان پرآوازه عرب ملاقات کردم که به عنوان میهمان به جشنواره فلسطین دعوت شده بودند. از قضا یکی از پرندگان در بخش داستان کوتاه همین خانم که قبلاً آثارشان را خواندم و اتفاقاً شعلان بود. آن موقع من یادم نبود که قبلاً آثارشان را خواندم و اتفاقاً واد مسیری چاپ شده، یادم آمد که ایشان را از قبل می‌شناختم. ارتباط با نویسندگان جهان عرب در خصوص فلسطین بیشتر به همت متولیان امر کتاب در کشور می‌تواند رقم بخورد. آثار آنها در ایران به فارسی چاپ شود و آثار ما به عربی ترجمه شود. همین باعث پرتنگ شدن این ارتباط خواهد شد و ما می‌توانیم یکدیگر را

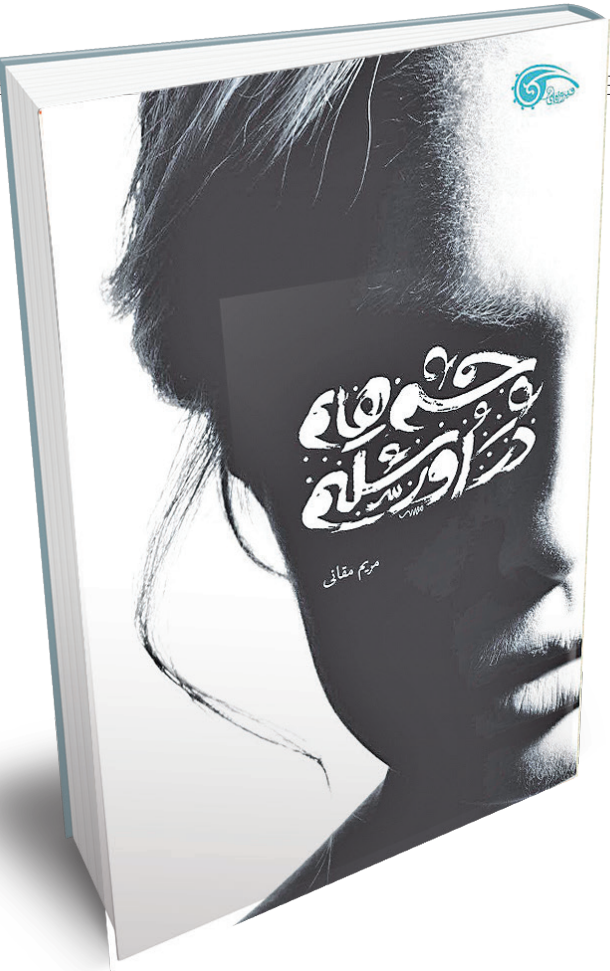
یاران مناسبی پیدا کنیم. ● در ادبیات داستانی معاصر کشورمان، موضوع فلسطین چندان پرتنگ و فراگیر نیست، به نظر شما این مسأله چه دلایلی دارد؟

بعد از انقلاب اسلامی انتظار می‌رفت که نویسندگان در آثارشان به سمت موضوع فلسطین بروند، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد. شاید خیلی‌ها هم بودند که دوست داشتند درباره آن بنویسند، اما نداشتن تجربه زیسته از فلسطین و همین‌طور اطلاعاتی که برای ساختن جهان داستان به آن نیاز است، باعث شد کمتر کسی به سراغ این موضوع برود. دلایل مهم‌تری هم هست. همیشه و از همان اوایل انقلاب، موضوع فلسطین حساسیت زیادی داشت و به

جرأت می‌گویم بعضی‌ها هم بودند و هستند که نمی‌خواهند با نوشتن درباره آن، گذرنامه خود را علامت‌دار کنند و روایت خودشان را بسوزانند. یک‌بار با نویسنده‌ای که از غزه آمده بود ملاقات کردم و ایشان تأکید داشتند که شما در داستان‌هایتان از منظر بین‌المللی به موضوع فلسطین بپردازید. برداشت من از صحبت ایشان این بود چون من در غزه هستم خودم می‌توانم درباره فلسطین بنویسم و خیلی بهتر از شما هم می‌نویسم، اما ما نیاز داریم از آثار شما توجه جهانی به طلمی که به ما می‌شود را ببینیم. اگر نگاه ما نویسندگان به این سمت سوق پیدا کند شاید بهتر بتوانیم با داشته‌های خودمان درباره فلسطین تولید اثر کنیم.

● با توجه به اینکه شما در حوزه فلسطین کار کرده‌اید، برخورد ناشران کشورمان با این موضوع، داستان کوتاه و رمان فلسطینی را چگونه می‌بینید؟

اما دلیل مهمتری که با داستانم بگویم این است که اسرائیل آینده‌ای ندارد. بخصوص در کتاب چشم‌هایم در اورشلیم که در سال ۲۰۲۵ رخ می‌دهد، ایالات متحده امریکا قدرت خود را از دست داده، تجزیه شده و اسرائیل هم مردم خود را از دست داده است و تلاش دارد با برگزاری مراسم‌های باشکوه و دعوت از خواننده و سلبریتی‌های سرشناس کمی وجهه خود را ترمیم کند و مردمش را به اسرائیل برگرداند



### چشم‌هایم در اورشلیم

این داستان جلد دوم کتاب دیگری به نام عشق آبی است که اوایل دهه هشتاد توسط انتشارات انجمن قلم به چاپ رسید و کمی بعد هم در جشنواره ادبی پروین اعصامی در بخش رمان، شایسته تقدیر شناخته شد. شخصیت‌های داستان قبل، در کتاب چشم‌هایم ادامه پیدا کردند و این کتاب نوشته شد. این کتاب را من بلافاصله بعد از چاپ جلد اول نوشتم که سال ۹۲ توسط نشر تکا چاپ شد و اتفاقاً نامزد جایزه قلم زرین در بخش بزرگسالان نیز شد

● در آخر نکته‌ای باقی مانده که بخواهید به آن بپردازید؟

سال گذشته در بیروت با مادر اسیری ملاقات کردم که پسرش از ۲۰ سالگی در بند اسرائیل بود و قرار بود ژانویه ۲۰۲۳ آزاد شود. یعنی ۲۰ ساله به زندان رفته و ۴۰ ساله برمی‌گشت. پسرش نویسنده بود و از همان زندان داستان‌هایش را برای شرکت در جایزه جهانی فلسطین فرستاده و برنده شده بود. مادر «آفت البورینی» تصویر او را در گوشی اش به ما نشان می‌داد و خیلی خوشحال بود که به‌زودی فرزندش را ملاقات می‌کند. فراموش نشود، اما وقتی فهمید من از ایران آمده‌ام و درباره فلسطین با او صحبت کردم، فراموش نمی‌کنم. اتفاقی که اسرائیل غاصب در منطقه رقم زده، در حد یک کشور یا بخشی از خاورمیانه نیست، بلکه اهمیتی جهانی دارد، چون مهم‌ترین نهمین جهان برای فلسطین و جهان اسلام، بلکه برای کل کشورها و مردم این کره خاکی برآمده دارد. بعد از ۷ اکتبر و اتفاقی که در غزه رقم خورد مسأله فلسطین مهم‌ترین دغدغه مردم جهان شده است.

شما هر جای جهان باشید می‌توانید پای تلویزیون جهان مشاهده کنید. اشتراک می‌سازد. آزادای در جهان نسبت به کشتار مردم غزه واکنش نشان داده است. اینکه مردم غزه واکنش نشان دادند و در قلم‌زدن در موضوع فلسطین اهمال می‌کنند جای شگفتی است

● کتاب تازه‌ای هم درباره فلسطین یا به طور کلی، فرهنگ مقاومت در دست تألیف یا انتشار دارید؟

مجموعه داستان کوتاهی دارم که غالب آن درباره غزه نوشته شده و قرار است به‌زودی در اختیار ناشر قرار گیرد. از آنجا که من در این زمینه به‌شدت علاقه دارم و در آن موضوع فلسطین و جهان بسیار علاقه دارم و می‌توانم با ناشران و ناشرین گفتگو کنم و با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم.

● نگاه به ماجراهای رمان «چشم‌هایم در اورشلیم»

ماجرای رمان «چشم‌هایم در اورشلیم» مریم مقانی اثری با رویکرد نگاه به زمان آینده است؛ داستانی که با یک قرار ملاقات در آوریل ۲۰۲۵ در پاریس آغاز می‌شود. این قرار بین سفیر اسرائیل در فرانسه با تاجر یهودی سرشناسی به نام «آدریل عوادیا» اتفاق می‌افتد. «موشه شالو» قصد دارد تاجر یهودی را در جریان نقشه نابودی مسجد‌الاقصی به وسیله ماهواره نظامی در جشن سال نو یهودیان قرار دهد، اما سفیر نمی‌داند «آدریل عوادیا»، همان «بنجامین راحیل» افسانه‌ای و فرمانده بخش سایبری جنبش آزادی بخش قدس است. مردی که ۲۰ سال است توسط مهم‌ترین سرویس‌های امنیتی جهان تحت تعقیب قرار دارد و آنها را به ستوه آورده است.

او شخصاً برای تابودی این عملیات وارد فلسطین می‌شود. «بنجامین راحیل» با اطلاعات ذی‌قیمتی که از «موشه شالو» به دست آورده است، تصمیم می‌گیرد شخصاً برای خنثی کردن نقشه صهیونیست‌ها به فلسطین برود، اما دستور فرمانده مفرط اطلاعات و عملیات برای همراه کردن «سارا اسلاتر»، مأمور سابق سازمان جاسوسی ایالات شرقی امریکا با او، «بنجامین راحیل» را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند. قبول این دستور برای بنجامین سخت است، چرا که رابطه عاطفی قدیمی و عمیقی بین او و سارا وجود دارد و بنجامین نمی‌خواهد سارا را به خطر بیندازد. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «آن طور که حساب کرده بودم، تا بیمارستانی که سارا در آن بستری بود نیم ساعت راه بود. یاد روزهایی افتادم که سارا را با خودم از ایالت شرقی بیرون آورده بودم.

البته واقعیت این بود که او را دزدیده بودم. آن روزهایی که در مخفیگاه‌ها مان در شهر طرطوس سوریه منظر بودم که حورا چشم‌ها سارا را باز کند، هم‌ا‌ش به این فکر می‌کردم که چطور واقعیت رابطه‌مان را به او بگویم. سارا کارمند اداره BROF در نیویورک بود و من بنجامین راحیل؛ کسی که سارا هیلاری را مسئول مستقیم دستگیرم و آوردنم از ایتالیا به ایالات شرقی کرده بودند. من و دکتر رضوان، سارا را در هوابیما به مدت ۲۰ دقیقه بیهوش کرده بودیم و بدون اطلاعش، لنزهای فرستنده را در چشم‌هایش کاشته بودیم. نگهداری آن لنزها در چشم، نیاز به مراقبت‌های ویژه داشت و از آنجا که نمی‌توانستیم به سارا بگوییم که دارد برای جنبش، نقش یک فرستنده را بازی می‌کند، نمی‌توانستیم به او درباره استفاده از مایع شست‌شو و التیام چشم تذکراتی بدهیم. همین باعث شده بود چشم سارا صدمه ببیند و دو هفته طول کشید تا زخم‌هایش بهبود پیدا کند. چند باری که فرصت کرده بودم به طرطوس برگردم و سارا را ببینم، به او نزدیک نشده بودم. عصبانیت او و حس عذاب وجدان خودم، کار را سخت و پیچیده کرده بود.»

### جوایز ادبی در ترویج فرهنگ مقاومت و تشویق نویسندگان برای فعالیت در این بخش چه نقشی دارد؟

قطعاً تأثیرگذار است، اما این تأثیر زودگذر و مقطعی است. برای جریان سازی در این عرصه باید کارگاه‌های تولید داستان و رمان تشکیل داد. باید بین پژوهشگران این حوزه و داستان‌نویس‌ها ارتباط برقرار کرد و به شکل حساب شده و برنامه‌ریزی شده به خلق آثار ادبی پرداخت. این روند ممکن است حتی سال‌ها طول بکشد، اما نتیجه‌اش تولید آثاری است که هم مبتنی بر اطلاعات دقیق و درست است و هم سطح ادبی بالایی دارد و حتی می‌توان آن را ترجمه و در اختیار کشورهای منطقه قرار داد.

### کتاب تازه‌ای هم درباره فلسطین یا به طور کلی، فرهنگ مقاومت در دست تألیف یا انتشار دارید؟

مجموعه داستان کوتاهی دارم که غالب آن درباره غزه نوشته شده و قرار است به‌زودی در اختیار ناشر قرار گیرد. از آنجا که من در این زمینه به‌شدت علاقه دارم و در آن موضوع فلسطین و جهان بسیار علاقه دارم و می‌توانم با ناشران و ناشرین گفتگو کنم و با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم.

### کتاب تازه‌ای هم درباره فلسطین یا به طور کلی، فرهنگ مقاومت در دست تألیف یا انتشار دارید؟

مجموعه داستان کوتاهی دارم که غالب آن درباره غزه نوشته شده و قرار است به‌زودی در اختیار ناشر قرار گیرد. از آنجا که من در این زمینه به‌شدت علاقه دارم و در آن موضوع فلسطین و جهان بسیار علاقه دارم و می‌توانم با ناشران و ناشرین گفتگو کنم و با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم. من می‌توانم با ناشران گفتگو کنم.



با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران دیده خواهید شد. خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷. Logos for Iran Daily, Arman, and other media outlets.